

## آیا امیرمؤمنان علیه السلام در قضیه قرطاس حضور داشت؟ اگر حضور داشت، چرا جواب اهانت‌کنندگان را نداد؟

سؤال کننده: جهان شاه

### پاسخ:

این که امیرمؤمنان علیه السلام در قضیه قرطاس حضور داشته است، قطعی است؛ چرا که آن حضرت در زمان بیماری رسول خدا صلی الله علیه وآله هیچگاه از آن حضرت جدا نشدند؛ مگر ضرورتی پیش می‌آمد؛ چنانچه شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه می‌نویسد:

وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُفَارِقُهُ إِلَّا لِضُرُورَةٍ.

امیر مومنان جز برای کارهای ضروری از رسول خدا (ص) جدا نمی‌شدند!

شیخ مفید داستان حدیث قرطاس را این گونه نقل و در آن به صراحت می‌گوید که امیرمؤمنان علیه السلام در آن جا بوده است:

فَأَفَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ: انْتُونِي بِدَوَاءٍ وَكَتِفٍ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَصِلُوهَا بَعْدَهُ أَبَدًا. ثُمَّ أَعْمَى عَلَيْهِ فَقَامَ بَعْضُ مَنْ مَضَرَ يَلْتَمِسُ دَوَاءً وَكَتِفًا فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: اذِجِعْ فَإِنَّهُ يَهْجُرُ فَرَجِعْ وَنَدِمَ مَنْ مَضَرَهُ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُمْ مِنَ التَّضَجِيعِ فِي إِمْضَارِ الدَّوَاءِ وَالْكَتِفِ فَتَلَاوَمُوا بَيْنَهُمْ فَقَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ لَقَدْ أَسْفَقْنَا مِنْ خِلافِ رَسُولِ اللَّهِ.

فَلَمَّا أَفَاقَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ بَعْضُهُمْ أَلَا نَأْتِيكَ بِكَتِفٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَدَوَاءً؟ فَقَالَ: أَلَا بَعْدَ الَّذِي قُلْتُمْ؟ لَا وَكَانِي أَوْصِيكُمْ بِأَهْلِ بَيْتِي خَيْرًا.

ثُمَّ أَعْرَضَ بِوَجْهِهِ عَنِ الْقَوْمِ فَهَضَبُوا وَبَقِيَ عِنْدَهُ النَّبَّاسُ وَالْفَضْلُ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَهْلُ بَيْتِهِ فَاصَّةً.

فَقَالَ لَهُ النَّبَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ يَكُنْ هَذَا الْأَمْرُ فِينَا مُسْتَقَرًّا بَعْدَكَ فَبَشِّرْنَا وَإِنْ كُنْتَ تَحْلُمُ أَنَا نُضَلِّبُ عَلَيْهِ فَأَوْصِ بِنَا. فَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ مِنْ بَعْدِي. وَأَصَمَتَ فَهَضَبَ الْقَوْمُ وَهُمْ يَبْكُونَ قَدْ أَيْسُوا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

هنگامی مال رسول خدا صلی الله علیه وآله کمی بهبود یافت، نگاهی به مردم کرده و فرمود: دوات و شانه

گوسفندی حاضر کنید تا مطلبی را بنویسم که پس از آن برای همیشه گمراه نشوید، در همان مال رسول

خدا از مال رفت.

یکی از ماضران برفواست تا دستور مضرت را انجام دهد، عمر گفت: برگرد؛ زیرا او هذیان می‌گوید، آن مرد منصرف شد. کسانی که آن جا مضور داشتند، از این که در اجرای دستور رسول خدا را کوتاهی کرده بودند، نارامت شدند، با یکدیگر گفتگو کردند و کلمه استرجاع «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» را بزبان رانده و از مخالفت با فرمان رسول خدا بیمناک بودند.

هنگامی که دوباره مال رسول خدا صلی الله علیه وآله بهتر شد، برقی گفتند آیا اجازه می‌دهید تا دوات و شانه ماضر نمائیم؟ آن مضرت فرمود: آیا بعد از این سفنی که گفتید؟ دوات و شانه نیاورید؛ ولی شما را سفارش می‌کنم که با اهل بیتم به نیکی رفتار کنید.

سپس روی خود را از مردم برگرداند، مردم برفواستند و به فانه‌های خود رفتند؛ اما عباس، فضل بن عباس و علی بن ابی طالب علیهما السلام باقی ماندند.

عباس عرض کرد: ای پیامبر خدا! اگر فلافت بعد از شما به ما فواهد رسید، و می‌دانید که ما پیروز فواهم شد، به ما بشارت داده و راهنمائی کنید، رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: شما بعد از من بی‌پاره فواهد، سفن دیگری نفرمود، این عده هم با کمال ناامیدی و در مالی که گریه می‌کردند، از خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله مرفص شدند.

الشیخ المفید، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم ابی عبد الله العکبری البغدادی (متوفای 413 هـ)،  
الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 1، ص 184-185، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث،  
ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1414 هـ - 1993 م.

بنابراین اصل حضور آن حضرت در قضیه قرطاس قطعی است؛ اما چرا آن حضرت در مقابل اهانت کنندگان به پیام‌آور خدا سکوت کرد و جواب آن‌ها را نداد؟

در جواب به سوال، به چند نکته باید توجه کرد:

### حرمت پیشی گرفتن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله:

طبق آیه اول سوره حجرات، پیشی گرفتن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله حرام است و مسلمانان حق ندارند در حضور آن حضرت بر ایشان پیشی بگیرند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

الحجرات/1.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی

پیشنه کنید که خداوند شنوا و داناست.

و امیرمؤمنان علیه السلام همواره تابع محض و دنباله‌رو رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و هرگز نه در گفتار و نه در عمل بر پیامبر خدا پیشی نگرفته است؛ چنانچه خود آن حضرت در نهج البلاغه می‌فرماید:

وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ وَالْمَنْزِلَةِ الْفَصِيحَةِ وَضَعْتِي فِي

مَجْرِهِ وَأَنَا وَكَدُّ يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَيَكْتَفُنِي فِي فِرَاشِهِ وَيُمَسِّسُنِي جَسَدَهُ وَيُشِمُّنِي عَرْفَهُ وَكَانَ يَمْضَغُ الشَّيْءَ ثُمَّ

يُلْقِمُنِيهِ وَمَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ وَلَا فَطْلَةً فِي فِعْلٍ وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ لَدُنْ أَنْ

كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمَ مَلَكَ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْأَلُكَ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَمَمَاسِنَ أَفْلاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ وَلَقَدْ كُنْتُ

أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرَأُ أُمَّهُ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَفْلاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالِاقْتِدَاءِ بِهِ.

شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در فویشاوندی نزدیک، در مقام و

منزلت ویژه می‌دانید، پیامبر مرا در اتاق فویش می‌نشانید، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود

می‌گرفت، و در بستر مخصوص خود می‌فوابانید، بدنش را به بدن من می‌پسباند، و بوی پاکیزه خود را به

من می‌بویاند، و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می‌گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در

کردارم نیافت.

از همان لمظه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته (جبرئیل)

خود را مأمور تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری و راستی

و اخلاق نیکو راهنمایی کند،

و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است، «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر

روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتداء نمایم.

وَلَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَمْفِظُونَ مِنْ أَسْمَابِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) أَنِّي لَمَ أَرُدُّ عَلَى اللَّهِ وَلَا عَلَى رَسُولِهِ سَاعَةً

قَطًّا وَقَدْ وَاسَيْتُهُ بِنَفْسِي فِي الْمَوَاطِنِ الَّتِي تَنْكُصُ فِيهَا الْأَبْطَالُ وَتَتَأَمَّرُ فِيهَا الْأَقْدَامُ نَجْدَةً أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهَا.

اصماب و یاران حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که حافظان اسرار او می باشند، می دانند که من حتی برای یک لحظه هم مخالف فرمان خدا و رسول او نبوده، بلکه با جان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یاری کرده. در جاهایی که شجاعان قدم هایشان می لرزید، و فرار می کردند، آن دلیری و مردانگی را خدا به من عطا فرمود.

حال چگونه امکان دارد که امیرمؤمنان علیه السلام قبل از این که رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنی بگوید، شروع به سخن گفتن و با نص صریح آیه قرآن کریم مخالفت نماید؟

طبق آیه ای که ذکر شد، پیشی گرفتن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله حرام بوده است و امیرمؤمنان علیه السلام اگر پیش از رسول خدا سخن می گفت در حقیقت با نص صریح این آیه مخالفت می کرد.

بلی اگر رسول خدا دستور می دادند که دهان اهانت کنندگان را ببندد، قطعاً امیرمؤمنان اطاعت و با تمام وجود از آن حضرت دافع می کرد؛ اما زمانی که رسول خدا حضور دارد و ایشان هنوز اقدامی نکرده است، چگونه امکان دارد که امیرمؤمنان بر آن حضرت پیشی بگیرد و اقدامی بر خلاف نص قرآن کریم نماید؟

### حرمت نزاع در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله:

خداوند در آیه 46 سوره انفال هر نوع نزاع و درگیری؛ آن هم در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله را حرام اعلام کرده است:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيكُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.

الأنفال/46.

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت)

شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ.

الحجرات/2.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد

در حالی که نمی‌دانید!

و در روایت بخاری نیز آمده است:

فَافْتَلَفُوا وَكَثَرَ اللَّغَطُ قَالَ قَوْمُوا عَنِّي وَلَا يَنْبَغِي عِنْدِي التَّنَاوُعُ.

دعوا کردند و سر و صدا بلند شد؛ پیامبر فرمودند: از نزد من برفیزید که سزاوار نیست در نزد

پیامبری دعوا کنند!

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 1، ص 54، ح 114، کتاب العلم، باب کتابه العلم، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

و در روایت دیگر آمده است:

فَتَنَّاوَعُوا وَلَا يَنْبَغِي عِنْدَ نَبِيِّ تَنَّاوُعٍ.

دعوا کردند با اینکه سزاوار نیست در نزد پیامبران دعوا کنند!

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 3، ص 111، ح 2888، کتاب الجهاد والسیر، باب جوائز الوفاء، ج 3، ص 115، ح 2997، أبواب الخمس، باب إخراج اليهود من جزيرة العرب؛ ج 4، ص 1612، ح 4168، کتاب المغازی، باب مرض النبی، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

اگر امیرمؤمنان علیه السلام جواب آن‌ها را می‌داد و بر آوردن دوات و قلم اصرار می‌ورزید، مجبور بود که با آن‌ها به نزاع بپردازد و نزاع و درگیری در حضور رسول خدا صلی الله علیه وآله شایسته نبود؛ از این رو امیرمؤمنان علیه السلام منتظر فرمان رسول خدا صلی الله علیه وآله ماند و از نزاع و درگیری با اهانت کنندگان و بلند کردن صدای خود در حضور رسول خدا صلی الله علیه وآله خودداری کرد. یعنی پاسخ دادن (در حضور رسول خدا) عملی ناپسند بود و امیرمؤمنان قطعاً چنین عمل ناپسندی را انجام نمی‌دادند.

این دو پاسخ، پاسخ‌های اصلی شیعیان به کسانی است که این شبهه را مطرح می‌کنند!

## گروهی از حاضران در خانه از موافقان نوشتن وصیت:

در متن روایت قرطاس آمده است:

منهم من يقول قَرَّبُوا يَكْتَبُ لَكُمْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ  
يقول ما قال عُمَرُ.

گروهی می‌گفتند که (کاغذ را) پیش آورید که پیامبر (ص) برای شما کتابی بنویسد که بعد از ایشان گمراه

نشوید، عده‌ای نیز سفن عمر را تکرار می‌کردند!

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 4، ص 1612، كِتَابُ الْمَعَارِی، بَابُ مَرَضِ النَّبِيِّ؛  
ج 5، ص 2146، ح 5345، كِتَابُ الْمَرَضِيِّ، بَابُ قَوْلِ الْمَرِيضِ قَوْمًا عَنِّي؛ ج 6، ص 2680، ح 6932، كِتَابُ الْإِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، بَابُ  
كِرَاهِيَةِ الْإِخْتِلَافِ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

در صورتی که اهل سنت ادعا دارند، پاسخ دادن به عمر، عملی نیک بوده است و عمر اشتباه کرده است، از ایشان می‌پرسیم به چه دلیل می‌گویید که در این فرض، امیرمؤمنان علیه السلام جزو پاسخ دهندگان نبوده است؟ با توجه به تبعیت بی چون و چرای امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله و اصرار ایشان بر انجام کار نیک، قطعاً یکی از کسانی که اصرار بر آوردن نامه داشتند آن حضرت بود. بنابراین اگر اهل سنت می‌گویند که باید امیرمؤمنان علیه السلام جواب اهانت کنندگان را می‌داد و این کار، کار نیکویی بوده است، قطعاً امیرمؤمنان علیه السلام جزء کسانی بوده است که با آوردن دوات و قلم موافق بوده و بر این امر اصرار داشته است.

## افشای چهره کسانی که ادعای خلافت داشتند:

احتمال دیگر این است که شاید هدف رسول خدا صلی الله علیه وآله از این دستور، افشای چهره کسانی بود که ادعای جانشینی آن حضرت را داشتند و تمام تلاش خود را برای به دست آوردن آن از مدت‌ها پیش آغاز کرده بودند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌خواست به مسلمانان بفهماند کسانی که به ایشان نسبت هذیان - نستجیر بالله - می‌دهند، صلاحیت و شایستگی اداره جامعه اسلامی را ندارند و نمی‌توانند مرجعیت علمی و سیاسی جامعه اسلامی را به عهده بگیرند؛ به ویژه این که رسول خدا دستور داد که مخالفت کنندگان با دستورش از خانه خارج شوند و فرمود «قوموا عنی».

با توجه به ارتباط نزدیک امیرمؤمنان علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه وآله، قطعاً از این مسأله آگاه بوده و به همین خاطر منتظر سخن گفتن رسول خدا ماند و از هر اقدامی خودداری کرد.

## اتمام حجت با مسلمانان:

هرچند که رسول خدا جانشینی امیرمؤمنان علیه السلام را از نخستین روز بعثت تا آخرین لحظات عمر شریفشان بارها و بارها اعلام کرده بود؛ اما از آن جایی که دوست نداشت که ثمره زحمات بیست‌ساله‌اش برباد رود؛ از این رو برای اتمام حجت باردیگر وصیت‌نامه‌اش را به صورت مکتوب در اختیار مسلمانان قرار دهد تا اگر در آینده جامعه اسلامی دچار مشکلاتی شد، کسی نگوید که چرا پیامبر خدا کوتاهی کرد و راه را به مردم نشان نداد؟

در حقیقت رسول خدا می‌خواست عدم قابلیت صحابه را به همه مردم نشان دهد که آن‌ها بودند که نگذاشتند اسلام مسیری را طی کند که خدا و رسولش ترسیم کرده بودند؛ چنانچه ابن عباس با صراحت این مطلب را بیان کرده است:

قَالَ قَوْمُوا عَنِّي قَالَ عَبْدُ اللَّهِ فَكَانَ بِنِ عَبَّاسٍ يَقُولُ إِنَّ الرِّزِيَّةَ كُلَّ الرِّزِيَّةِ مَا مَالَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَبَيْنَ  
أَنْ يَكْتُبَ لَهُمْ ذَلِكَ الْكِتَابَ مِنْ اِئْتِلَافِهِمْ وَلَخَطْبِهِمْ.

پیامبر (ص) فرمودند از نزد من برفیزید؛ ابن عباس می‌گفت: بیشترین مصیبت این بود که با ائتلاف و سر و صدایشان، بین پیامبر و نوشتن این نامه، مانع شدند.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 5، ص 2146، ح 5345. کتاب المرضی، باب قَوْلِ  
الْمَرِيضِ قَوْمُوا عَنِّي؛ ج 6، ص 2680، ح 6932. تحقیق د. مصطفی دیب البغا،  
ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)